

فراق دوری مادر

فراق دوری مادر، فقط آواره میدانند
غم هجران میهن را، مهاجرگشته میدانند
"ز کوششهای عباس و سکینه (ع) گشت معلوم
که قدر آب را العلی لب خشکیده میدانند"
شده مُلک عزیز ما، مقرطالب و داعش
ز ظلم این خبیثان، عاقل و دیوانه میدانند
به ارگ کشور مان، لانه بنمودست کلمرغان
که ترک لانه خود، بلبل بی لانه میدانند
حکومت پرزجانی، مملکت پامال بیگانه
چنین وضع خراب مُلک ما، آزاده* میدانند
رئیس منتصب باشد، کلان حرفوی دزدان
که قاچاق هر وئین را، عجب رندانه میدانند
بُود کرزی شریکش، در همه چورو چپاول ها
خیانت‌های این دو، از خود و بیگانه میدانند
تظاهر در مسلمانی، غنی بنموده کار خود
کلیسا رفتنش را، دیده و نادیده میدانند
خورد خون زنان بیوه و، اطفال بی با با
زراندوزی نا مشروع، بسی جانانه میدانند
خداوندا! رسان روزی، که گوید "حیدری" عبادت
زمان جور و ظلم خائنان، بگذشته میدانند

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۵، ۹، ۲۰۱۶، سدنی

* آزاده- آزادمرد، جوانمرد، اصیل و نجیب، آزاد و وارسته، آنکه بنده کسی نباشد.

فرهنگ فارسی عمید